

محمد ﷺ برقله‌های اندیشه

مریم ویدل عاملی

ketabesaadi@yahoo.com

اشاره:

«پیامبر ﷺ دعوت بردگان را برای غذا می‌پذیرفت؛ بر خاک می‌نشست و با دست خود بز می‌دوشید، چهره بر خاک می‌مالید... نزد مردم متواضع و فروتن بود؛ پایش را نزد مردم، حتی کودکان، دراز نمی‌کرد. وقتی به او مراجعه می‌کردند، تکیه نمی‌داد. به احترام مردم کارهای سخت را می‌پذیرفت و انجام می‌داد. همواره گرسنه بود؛ ظاهرش حالتش مانند ضعیفان بود، اما قلبش قوی بود. همچون بردگان می‌نشست و بر کفش خود پینه می‌زد و لباسش را وصله می‌کرد و بر خر برهنه (که پایین‌ترین طبقات سوارش می‌شدند) سوار می‌شد.» (۱) این سطور، توصیفی است از پیامبر که در گفتار نورانی علی (ع) درخشیده است. پیامبر مردی بود که دوست نداشت مانند شاهان احترامش کنند، و در عوض خود چنان به مردم و حتی دشمنان خود احترام می‌گذاشت که همگان شرم‌منده خلق خوش و گشاده‌رویی و گشاده‌دستی‌اش بودند... کیست که چنین مردی را با این ویژگی‌ها دوست ندارد و از دل و جان عاشق او نشود؟ که هر که بوی تو شنید، شیفته‌ی روی تو شد این مجال و مقال، فرصتی است برای شناخت رسول رحمت ﷺ از چشم آتانی که هرگز مسلمان نبوده‌اند، اما آیین مسلمانان و رسول مکرمش را با زبانت‌ترین و والاترین واژه‌ها ستوده‌اند.

مقدمه:

بشارت آمدنش را سال‌ها مؤمنان به ادیان توحیدی می‌دادند، بحیرا و ورقه‌بن نوفل مسیحی، و ویژگی‌ها و نامش را یهودیان نیز می‌دانستند. آنگاه که آتشکده‌ی فارس خاموش گشت، دریاچه ساوه خشک شد و ۱۴ کنگره از طاق کاخ کسری فرو ریخت، نوری در آسمان درخشیدن گرفت که چشم جهانیان را بدان خیره ساخت. حق‌جویان و حقیقت‌خواهان کم نیستند که با رجوع به فطرت انسانی و وجدان آگاه خویش، خلاف آمد تبلیغات مسموم دشمنان خدا (و نه فقط دشمنان اسلام)، سره را از ناسره باز شناسند و به اصل خویش بازگردند.

دین اسلام و کتاب آسمانی قرآن، تنها برای مسلمانان نیامده است، پس پیامبرش نیز تنها پیامبر اسلام و مسلمانان نیست؛ رسول رحمت برای عالمیان است و نبی

مکرم هر نژاد و گروه و قبیله‌ای؛ سیاه و سفید و زرد و سرخ و ... چنین است که بسیاری از پیروان مذاهب دیگر، تنها با شنیدن و خواندن خصوصیات و ویژگی‌های پیامبر ﷺ و سیره اخلاقی و انسانی ایشان، تمایل پیدا می‌کنند که به آخرین دین خداوند که کامل‌ترین دین‌هاست، بگردند. و به همین جهت اکنون در گوشه گوشه قاره‌های دنیا خشکی و دریا، جنوب و شمال و قطب و استوا، روز به روز بر تعداد تازه مسلمانان افزوده می‌شود و این امر خشم سردمداران ظلم و ستم و سرداران شیطان را برانگیخته است. و هر دم چنین باد تا صبح دولت امیدمان بدمد و طومار دشمنان خدا و حق‌جویان را در هم پیچد و روحی نو در کالبد جهان خسته از زر و زور و تزویر، بدمد... اندیشمندان و حقیقت‌جویان غیر مسلمان نیز همچون مسلمانان، با شناخت و مطالعه دقیق درباره‌ی وجود مکرم پیامبر اعظم ﷺ ایشان را در والاترین مقام یک انسان دیده و توصیف کرده‌اند. در اینجا به چند نمونه از نظرات این متفکران پرداخته‌ایم که امید است مقبول افتد.

● گوستاو لوبون

او مردی بود بردبار در برابر سختی‌ها و دشواریها، خوددار و متحمل، متفکر و کم حرف، دارای همتی بلند و در برخورد‌ها مهربان و خوش‌شرو. او جنگجویی دلاور و ماهر در فنون جنگی بود...

● ولتر

ولتر در سال ۱۷۷۶ میلادی، به یاد نمایشنامه فانتیسم، نخستین اثر ضد اسلامی‌اش، آخرین سخن خود را بر زبان آورد که: من در حق محمد ﷺ بسیار بد کردم. و چون دانسته‌های اولیه او از اسلام تحت تاثیر نوشته‌های مغرضانه مسیحیان بود، از روی خشم می‌گفت: همه کتابهایی را که تاکنون مسیحیان درباره مسلمانان نوشته‌اند، باید در آتش افکند.

او گفته است: «حضرت محمد ﷺ بی‌گمان مردی بسیار بزرگ بود، وی جهان‌گشایی توانا، قانون‌گذاری خردمند، سلطانی دادگر و پیامبری پرهیزگار بود. او بزرگترین نقشی را که ممکن بود در مقابل چشمان مردم عادی ایفا کند، در روی زمین ایفا کرد.»

● لئو تولستوی

تولستوی، رمان‌نویس و فیلسوف اخلاق‌گرای روسی که آموزه‌هایش سرمشق رهبران بزرگ سیاسی جهان بوده است، در کتاب «اسلام و عرب» دکتر گوستاو لوبون، نظریه صائبی درباره نبی اکرم ﷺ دارد که ماهیت و انگیزه پشت پرده حرکت‌های توهین‌آمیز دشمنان را بر ملا می‌کند: شخص شخص‌شخص پیامبر اسلام، سزاوار همه گونه احترام و اکرام است. شریعت پیغمبر اسلام ﷺ به علت توافق آن با عقل و حکمت، در

چون دانسته‌های اولیه ولتر از اسلام، تحت تاثیر نوشته‌های مغرضانه مسیحیان بود، از روی خشم می‌گفت: همه کتابهایی را که تاکنون مسیحیان درباره مسلمانان نوشته‌اند، باید در آتش افکند.

آینده عالمگیر خواهد شد.

● مهاتما گاندی

گاندی، رهبر انقلاب بزرگ هند در جمله زیر تأکید روشنی دارد بر تأثیر شگرف سیره آسمانی حضرت ختمی مرتبت ﷺ بر روح آزادی طلبانه و استقلال جویانه خود و همراهانش:

حیات شخص حضرت محمد ﷺ، پیامبر اسلام، به نوبه خود نشانه و سر مشق بارزی برای رد فلسفه اجبار در مذهب است.

● پیر سیمون لاپلاس

لاپلاس، منجم و ریاضیدان بسیار معروف فرانسوی در قرن ۱۸ و ۱۹ است که نظریات او تحولات بزرگی در نجوم ایجاد کرد. وی نتیجه تحقیقات دینی خود را چنین بیان می کند:

گرچه ما به ادیان آسمانی عقیده نداریم، ولی آیین حضرت محمد ﷺ و تعالیم او، دو نمونه اجتماعی برای زندگی بشریت است. بنابراین اعتراف می کنیم که ظهور دین او و احکام خردمندانه اش، بزرگ و باارزش است و به همین دلیل از پذیرش تعالیم او هرگز بی نیاز نیستیم.

● کارل مارکس

مارکس که بنیانگذار یک مکتب فکری بود درباره پیامبر ﷺ چنین می گوید:
محمد مردی بود که از میان مردمی بت پرست با اراده ای آهنین برخاست و آنان را به یگانه پرستی دعوت کرد و در دل‌های ایشان جاودانی روح و روان را بکاشت، بنابراین او را نه تنها باید در ردیف مردان بزرگ و برجسته تاریخ شمرد، بلکه سزاوار است که به پیامبری و اعتراف کنیم و از دل و جان بگوییم که او پیامبر خدا بوده است.

● جواهر لعل نهرو

نهرو در کتاب نگاهی به تاریخ جهان می نویسد:
مذهبی که پیامبر اسلام تبلیغ کرد، به واسطه سادگی و راستی و درستی آن و دارا بودن طعم دموکراسی و برابری مورد استقبال توده های کشورهای مجاور قرار گرفت.

● ارنست هگل

از پروفیسور هگل، یکی از بزرگترین و پرنفوذترین فلاسفه آلمانی در قرن ۱۹، در کتاب زندگانی محمد ﷺ نوشته توماس کارلایل نقل شده است:

اسلامیت طرح خیلی جدید و در عین حال طرز غیر مخدوش و بسیار عالی توحید است.

● هربرت جرج ولز

اچ. جی. ولز نویسنده و محقق انگلیسی، در کتاب سرمایه خود می گوید:
اسلام تنها دینی است که هر بشر شرافتمند

می تواند به داشتن آن افتخار ورزد.

● گوته

گوته، دانشمند، شاعر و نویسنده معروف آلمانی که تأثیر عمیقی بر ادبیات آلمان و جهان به جای گذاشته است، در کتاب دیوان شرقی و غربی خود چنین نگاهشسته است:
مندرجات کتاب قرآن ما را مجذوب می کند و به شگفت می آورد و سرانجام به تعظیم و احترام بر می انگیزد.

● هیوستن اسمیت

پیامبر در دنیای اسلام، بستر ظهور و تجلی وجود مطلق در بشر است، پیامبر الگویی الهی و آسمانی است که عقل و اراده مسلمانان را متوجه خود می سازد.

● توماس کارلایل

دشمنان اگر به نظر حقیقت بنگرند، خواهند فهمید که در نفس این مرد بزرگ، افکاری فراتر از طمع دنیوی و جاه و سلطنت بوده است...

● آلفونس دو لامارتین

لامارتین، شاعر، رمان نویس و سیاستمدار فرانسوی که از تحسین کنندگان اسلام و پیامبر اکرم ﷺ است، در کتاب «تاریخ ترکیه» می نویسد:
اگر عظمت هدف، کمبود امکانات و ابزار، و نتایج حیرت آور، سه معیار در شناخت انسانهای برجسته تاریخ است، چه کسی جسارت آن را می یابد که انسانهای بزرگ در تاریخ مدرن را با محمد ﷺ مقایسه کند؟

انسانهای مشهور تنها سلاحها و قوانینی امپراتوری را خلق کردند، نتایجی که در زمان حیات و در مقابل چشمان خود شاهد نابودی آنها بوده اند. اما این شخصیت بزرگ، نه تنها ارتشها، قوانین، امپراتوری ها و سلسله های پادشاهی را از جا کند، بلکه در یک سوم جهان آن روز، خدایان، مذاهب، اندیشه ها، عقاید و جانها را تکان داد. صبر او برای پیروزی آرمانهایش، عبادات بی پایانش، گفتگوهای عرفانی بسا خدا و پیروزی های پس از مرگ، همه و همه کاملاً وقف یک اندیشه و بقای ایمان به خدا بود. با در نظر گرفتن تمام معیارها برای ارزیابی یک انسان بزرگ، به خوبی می توان از خود پرسید: آیا انسانی بزرگتر از او وجود دارد؟

● آنتیه بسانت

بسانت مصلح اجتماعی و فیلسوف مشهور ایرلندی است. او سالها به مطالعه اسلام پرداخت و عاقبت به اسلام گروید. همچنین کتابی با نام زندگی و تعالیم محمد ﷺ منتشر کرد. او در باره نبی اکرم ﷺ می نویسد:
غیر ممکن است کسی زندگی و شخصیت

پیامبر بزرگ اسلام را مطالعه کند و او را مورد تکریم و تحسین قرار ندهد، کسی که از بزرگترین پیامبران خداست... هر چه زندگی پیامبر را بیشتر مطالعه می کنم، احساس تمجید و تکریم من نسبت به او شکل جدیدتری می گیرد و احساس جدیدی از بزرگی این استاد بزرگ عرب به من دست می دهد.^۱

● ویکتور هوگو

ویکتور هوگو، شاعر و رمان نویس مشهور فرانسوی در قرن نوزدهم میلادی، اشعاری زیبا در وصف پیامبر و پایان عمر ایشان سروده است:
می دانست که پایان عمرش فرارسیده. همیشه متفکر بود و هیچ کس را ملامت نمی کرد.
هنگامی که راه می رفت از همه سو بدو سلام می گفتند و او همه را به مهربانی پاسخ می داد...
همیشه مشغول نیایش به درگاه پروردگار بود. بسیار کم غذا می خورد و غالباً برای رفع گرسنگی سنگی بر روی شکم می بست. با دست خویش شیر گوسفند می نوشید و هنگامی که لباسش فرسوده می شد، خودش روز زمین می نشست و آن را وصله می زد...

هر چند دیگر جوان نبود و روزه داری از نیروی او می کاست، اما در تمام روزهای رمضان مدتی درازتر از دیگران روزه دار بود. شصت و سه سال داشت که ناگهان تیبی بر وجودش راه یافت و قرآن را که خود از جانب خداوند آورده بود سراسر بازخواند.^۲

● آغان یک پایان

چگونه است که ستایش از نام و یادواره و روش پیامبر اعظم ﷺ فراتر از دین اسلام و مسلمانان رفته است، اما کهنه مسلمانانی قدر و ارزش شخصیت بزرگ پیامبر ﷺ را نشناخته اند و حرمتش را پاس نداشته اند. روزی که صدایی از حلق شیطان گفت: «حسین (ع) در روز عاشورا، تقاص جنگ بدر و احد را داد که پیامبر ﷺ نعوذ بالله پدران سپاه عمر سعد را کشته بود، ...»، اما رسول رحمت شقی ترین دشمنان خود را در فتح مکه بخشید، اسرا را آزاد کرد و به ایشان امنیت داد... .

لعنت خدا بر اصوات و قلمهای شیطانی باد که حضرتش را شناختند، کرامتش را پاس نداشتند و حرمت قلم را شکستند...

پی نوشتها:

۱. بخار الانوار، ج ۷۹، ص ۳۱۴.
zahedan tebyan.com و سایت pyambarazam.com
۲. سایت itir

۳. دریای گوهر، نوشته دکتر مهدی حمیدی.

ولتر:
حضرت محمد ﷺ
بزرگترین نقشی را که
ممکن بود در مقابل
چشمان مردم عادی ایفا
کند، در روی زمین
ایفا کرد.